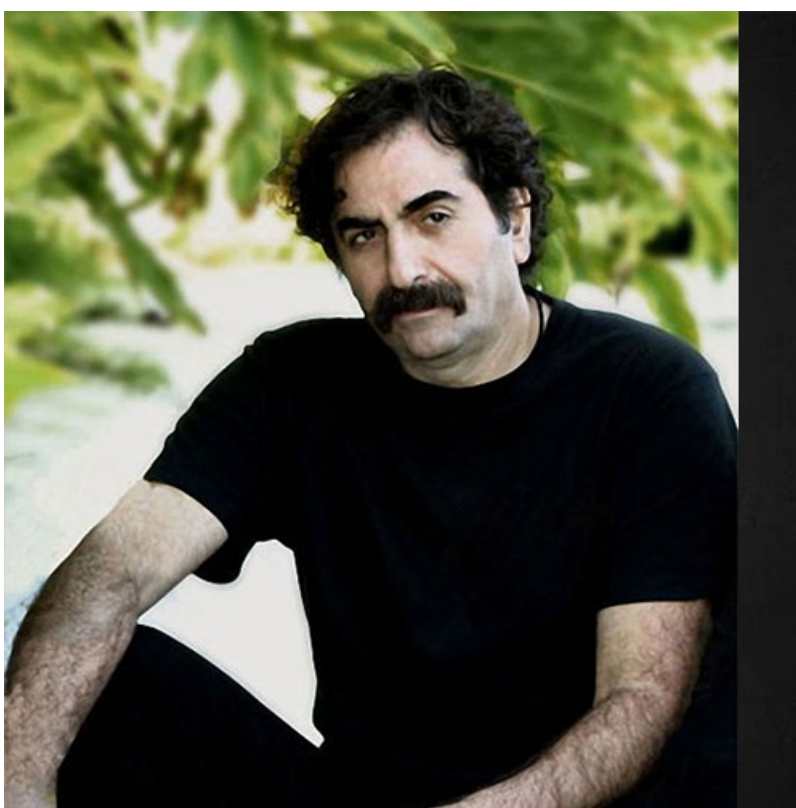


شهرام ناظری: زندگی، هنر و تاثیرات ماندگار بر موسیقی ایران و جهان

نویسنده: مهندس یوسف مرتضوی | تاریخ انتشار: 2026/06/05



اندک اندک جمع مستان می‌رسند
اندک اندک می‌پرستان می‌رسند
دلنوازان ناز نازان در ره‌اند
گل‌عذاران از گلستان می‌رسند
اندک اندک زین جهان هست و نیست
نیستان رفتند و هستان می‌رسند
مولانا

درحالی‌که دست‌هایش را بالا آورده تا به‌کمک آن طنین صدایش را جلایی فاخر دهد و آن را بی‌وقفه به‌هر

سویی تاب می‌دهد تا فضا را شورانگیز و پرالتهاپ کند، از ته دل فریاد می‌کشد و آواز می‌خواند. کمی از موهای مشکی و مجعدش روی پیشانی رها شده، سه‌تارش را بغل کرده، با چشمان بسته، دهانش را تا توانسته باز کرده و ققنوس‌وار از درون آتشی که در وجودش شعله‌ور شده، می‌خواهد پرواز کند و به لامکان پر بکشد و «آنچه در وهم ناید آن شود!»* و چنین می‌خواند:

یک شب آتش در نیستانی فتاد

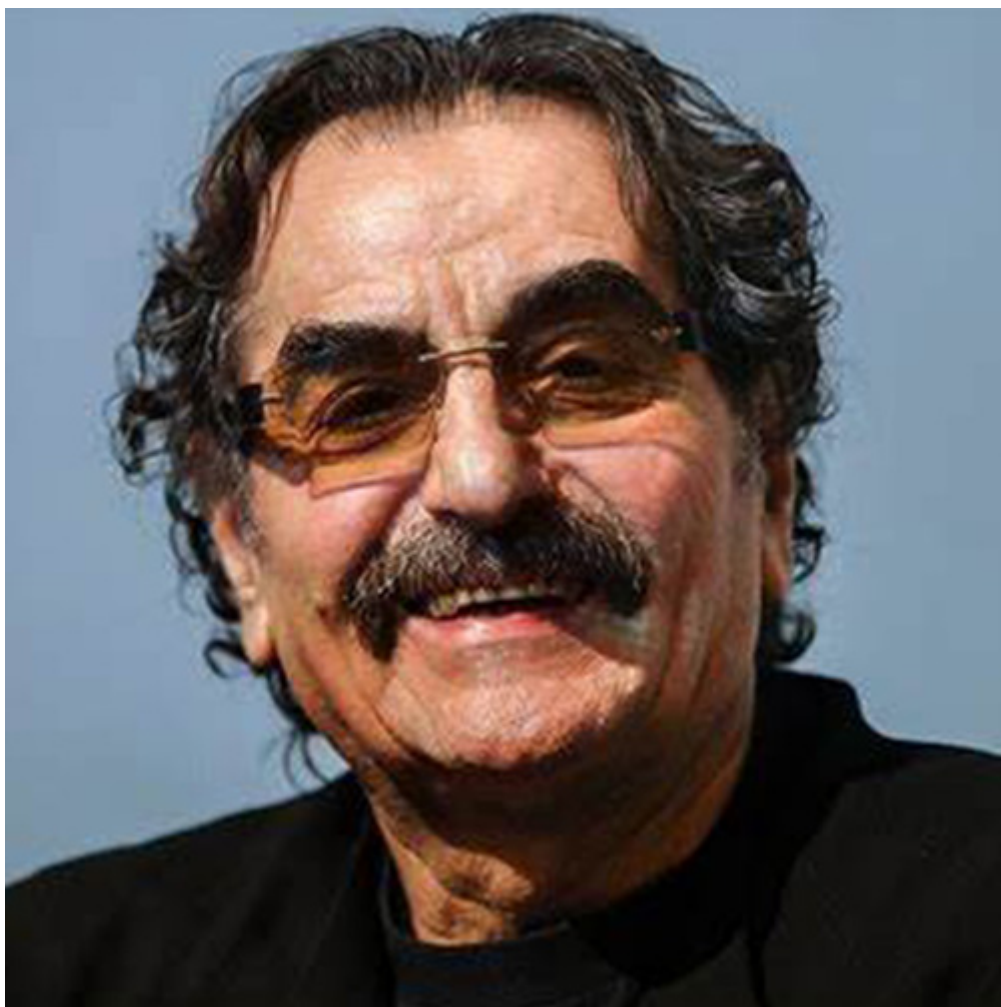
سوخت چون اشکی که بر جانی فتاد

مجنوب تبریزی

«نیستان رفتند و هستان می‌رسند»

از نیستان برجسته‌ای که از میان ما پرکشید؛ خسرو آواز ایران، محمدرضا شجریان است. شهرام ناظری روزی در سال ۱۳۵۴ به رادیو دعوت می‌شود. در این روز او برای اولین بار به ملاقات امیرھوشنگ ابتهاج «سایه» می‌رود و با او آشنا می‌شود. سایه او را به اتاق محمدرضا «سیاوش» شجریان می‌برد. شهرام ناظری خاطره این دیدار را چنین توصیف می‌کند:

«وقتی سایه مرا به اتاق شجریان برد و ما را به هم معرفی کرد، من و شجریان ساعت‌ها با هم گفت‌وگو کردیم و آواز خواندیم. من درآمد درویش حسن به‌روایت استاد حسن کسایی را خواندم و شجریان از شنیدن آن هیجان‌زده شد و پرسید: «این را از کجا یاد گرفته‌ای؟ تا حالا نشنیده بودم!» آن‌قدر غرق صحبت شده بودیم که متوجه گذر زمان نشدیم تا وقتی خدمتکار اداره در زد و به ما گفت که ساعت کار تمام شده و همه به خانه رفته‌اند. شجریان از من پرسید: «با ماشین آمده‌ای؟» گفتم: «بله، ماشینم در پارکینگ رادیو است.» پیشنهاد داد که ماشینم را همان‌جا بگذارم و با او به خانه‌شان بروم. با خوشحالی پذیرفتم. آن شب با هم به خانه شجریان رفتیم و همسر و فرزندان او را برای اولین بار دیدم. شاید باور نکنید اما دو روز در خانه ماندیم و با هم گفت‌وگو کردیم، آواز خواندیم و صفا کردیم. صبح دو روز بعد، با هم به رادیو برگشتیم و من سوار ماشینم شدم و رفتم. از آن زمان دوستی صمیمی و خاصی بین من و محمدرضا آغاز شد.»



نقش والدین

آبراهام لینکلن می‌گوید: «همه آنچه که اکنون هستم و امیدوارم که بشوم، مدیون مادر فرشته‌ام هستم.» مادر شهرام ناظری شخصیت ویژه‌ای داشت. اهل شعر و ادب بود، با آواز آشنایی داشت و اغلب نغمه‌های کردی و فارسی را زیر لب زمزمه می‌کرد. به‌همین خاطر شهرام ناظری مادرش را اولین معلم خود معرفی می‌کند.

پدر شهرام، حسن ناظری، مردی وارسته، عارف‌مسلک و اهل هنر بود. او صدایی دلنشین داشت و با گوشه‌ها و ردیف‌های آوازی و نواختن تار آشنا بود. بیشتر اعضای فامیل و اقوام ناظری اهل هنر بودند؛ یا سازی می‌نواختند یا صدای خوشی داشتند. شهرام در چنین محیطی رشد کرد.

شهرام ناظری در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۳۰ در کوچه یخچال محله برزهدماخ کرمانشاه به‌دنیا آمد. او از کودکی به شعر و ادبیات علاقه داشت. در کنار پدر و مادر با آلات موسیقی آشنا شد و آواز می‌خواند. شهرام ناظری در گوشه‌ای از خاطراتش می‌گوید:

«هنوز به سن مدرسه نرسیده بودم، روزی از خواب بیدار شدم و دیدم کتابی کهنه در اتاق روی زمین است. کتاب را با تعجب برداشتم و ورق زدم. جلد قدیمی، رنگ و بوی کهنگی و خط عجیب کتاب برایم بسیار گیرا بود. کنجکاوی عجیبی درباره‌اش پیدا کردم. مادرم همان لحظه وارد اتاق شد. از او پرسیدم: «این چیست؟» مادرم گفت: «این کتاب دیوان حافظ است.» این گونه آشنایی با دیوان حافظ، در من احساس عجیب و وصف‌نشدنی به‌وجود آورد.»

مادرش، شهرام را تشویق می‌کرد که هر روز در خانه آواز بخواند. صبح‌ها به او شیر گرم و زرده تخم‌مرغ می‌داد تا صدایش تقویت شود. او در مراسم صبحگاهی مدرسه برای شاگردان آواز می‌خواند.

در هشت سالگی به رادیو راه یافت و برای اولین بار آوازی در دستگاه ماهور روی شعر مولانا خواند:
جفا از سر گرفتی یاد می‌دار
نکردی آنچه گفتی یاد می‌دار
مرا بیدار در شب‌های تاریک
رها کردی و خفتی یاد می‌دار

حضور در تلویزیون و آغاز حرفه‌ای‌گری

گام بعدی حضور شهرام ناظری در تلویزیون ملی تازه‌تأسیس، معروف به ثابت پاسال بود. او در آنجا طی دو شب با همراهی یک نوازنده ویولن، آواز افشاری اجرا کرد.
دکتر حسین اخلاقی کوهپایی، روانشناس و کارشناس آموزش و پرورش کودکان، در کتاب «سال‌های سرنوشت‌ساز رشد کودک» می‌گوید: «به‌جرات می‌توان گفت، آن‌کسی که اکنون هستیم در شش سال اول به‌دنیا آمدنمان شکل گرفته است.» شخصیتی که امروز به‌نام شهرام ناظری می‌شناسیم، پایه‌های استوار تربیتش را از پدر و مادری فرهیخته، هنردوست و هنرپرور دریافت کرده است.
بالندگی او و آنچه بر این پایه‌ها بنا شده، نتیجه مصاحبت با فرهیختگانی است که او شانس شاگردی در محضرشان را داشته است.

آشنایی با درویش نعمت‌علی خراباتی

یکی از شخصیت‌های بارز در شکل‌گیری اندیشه‌ها و جهان‌بینی شهرام ناظری، درویش نعمت‌علی خراباتی بود. او در دوران نوجوانی شالوده جهان‌بینی و اندیشه‌های عرفانی ناظری را شکل داد. شهرام درباره او می‌گوید:
«او به من می‌گفت: به همه عقاید احترام بگذار، ولی آزاده باش و آزادی خود را به بند تعصب نکش.»



شاگردی استاد یدالله بهزاد کرمانشاهی

یکی دیگر از بزرگان تأثیرگذار در زندگی ناظری، استاد یدالله بهزاد کرمانشاهی بود. او ادیب و شاعر شناخته‌شده‌ای بود که شاگردی استادانی همچون جلال‌الدین همایی، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمد معین و ذبیح‌الله صفا را در کارنامه داشت. بهزاد کرمانشاهی کتابخانه بزرگی داشت که برای استادان و دوستانش محلی برای رشد و تبادل اندیشه بود.

در یکی از مهمانی‌ها، استاد بهزاد کرمانشاهی به صدای شهرام جوان پی برد و خطاب به او گفت: «چرا وقتی در مدرسه اعلام کردیم که هرکس هنری دارد خودش را معرفی کند، نیامدی؟» شهرام پاسخ داد: «فکر نمی‌کردم که هنرم در حدی باشد که خودم را معرفی کنم.» استاد با لحظه‌ای تأمل گفت: «اگر قرار می‌بود فقط یک نفر به‌عنوان هنرمند خود را معرفی کند، این پسر باید می‌آمد.»

شرکت در محافل ادبی استاد بهزاد کرمانشاهی

از آن لحظه به‌بعد، شهرام ناظری به‌دلیل متانت، فروتنی و اشتیاق زیاد برای یادگیری، اجازه یافت در جلسات هفتگی استاد کرمانشاهی با فرهیختگان ادبی شرکت کند و از کتابخانه بزرگ او نیز بهره ببرد. شهرام درباره این دوران می‌گوید: «شرکت در این جلسات با این سن کم به من انگیزه‌ای قوی و شگفت می‌داد تا راهم را پیدا کنم و با اشتیاق ادامه دهم.»

آلبوم زمستان

ترکیب موسیقی و شعر نو یکی از آثار ماندگار شهرام ناظری، آلبوم زمستان است که به‌صورت مشترک با

آهنگسازی محمدرضا درویشی تولید شده است. این آلبوم، نخستین اثر ناظری بر اساس شعر نو بوده و بر شعر مشهور و ماندگار مهدی اخوان ثالث، زمستان، ساخته شده است.

شعر زمستان از سروده‌های تأثیرگذار اخوان ثالث است که فضای سرد، ناامیدکننده و غم‌انگیز جامعه‌ای دستخوش رنج و بیگانگی را به تصویر می‌کشد. صدای پرتنین ناظری در کنار موسیقی درویشی، این شعر را به اثری جاودانه در تاریخ موسیقی و ادبیات ایران تبدیل کرده است.

سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت
سرها در گریبان است
کسی سر برنیارد کرد پاسخ‌گفتن و دیدار یاران را
نگه جز پیش پا را دید، نتواند
که ره تاریک و لغزان است
وگر دست محبت سوی کس یازی
به‌اکراه آورد دست از بغل بیرون
که سرما سخت سوزان است
نفس، کز گرمگاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک
چو دیوار ایستد در پیش چشمانت
نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم
ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟
آغاز رشد و شکوفایی شهرام ناظری
شهاب نیکمان در مجله بخارا، دوران طلایی شهرام ناظری را به دهه ۱۳۵۰ نسبت می‌دهد؛ دورانی که آغاز همکاری او با بزرگان موسیقی و ادبیات بود و تأثیری عمیق بر هنر ایران گذاشت.



آشنایی با بزرگان موسیقی و ادبیات

در این دوران، شهرام ناظری با ادیبانی چون: مهدی اخوان ثالث، محمدرضا شفیعی کدکنی، امیرھوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)، فریدون مشیری، ایرج افشار و موسیقیدانانی چون: محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان، داریوش طلایی، محمدرضا درویشی، جلال ذوالفنون، بیژن کامکار و ناصر فرهنگفر آشنا شد. این ارتباطها بعدها منجر به تولید آثار ارزشمندی شد که جایگاه ویژه‌ای در تاریخ موسیقی ایران دارند.

تشکیل گروه‌های شیدا و عارف

در همین دوره، گروه شیدا به سرپرستی محمدرضا لطفی و سپس گروه عارف به سرپرستی حسین علیزاده و پرویز مشکاتیان تشکیل شد. شهرام ناظری به‌عنوان یکی از هنرمندان برجسته این گروه‌ها، در تولید آلبوم‌های مشترک نقش مهمی ایفا کرد.

علاقه شخصی به شعر و ادبیات

شهرام ناظری از دوران کودکی به ادبیات و شعر علاقه‌مند بود و در نوجوانی، داستان‌های شاهنامه را به زبان شعر بازگو می‌کرد. او در جلسات ادبی که در خانه علی‌اکبر رفوگران (بنیان‌گذار کارخانه بیک در ایران) برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد و با چهره‌های برجسته شعر و ادب ایران ارتباط نزدیکی داشت.

صمیمیت با بزرگان

ناظری درباره ارتباطش با بزرگان هنر و ادبیات می‌گوید: «ما یک گروه بودیم که با همت علی‌هاشمی، برخی

پنجشنبه‌ها به کوه‌پیمایی می‌رفتیم. بیشتر اوقات فریدون مشیری، پرویز مشکاتیان، نجف دریابندری، محمدرضا شفیعی کدکنی و بهمن بوستان هم حضور داشتند...»
این ارتباط‌های صمیمی و الهام‌بخش، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری دیدگاه هنری و فکری شهرام ناظری داشت.

کانون فرهنگی چاووش: نقطه عطفی در موسیقی ایران

در سال ۱۳۵۸، پس از استعفای دسته‌جمعی سایه و گروهی از هنرمندان شیدا و عارف از رادیو، کانون فرهنگی چاووش به همت سایه و همکاری محمدرضا لطفی، حسن کامکار و دیگر هنرمندان تأسیس شد. هدف این کانون، شروعی دوباره در عرصه هنر، آموزش و تولید آثار جدید بود.

شهرام ناظری و آموزش آواز

در کانون چاووش، شهرام ناظری در کنار بزرگان موسیقی چون محمدرضا شجریان و نصرالله ناصح‌پور، به آموزش آواز پرداخت. این دوران به شکوفایی هنر آواز و تولید آثار ماندگار در تاریخ موسیقی ایران منجر شد.

آثار و اجراهای ماندگار

فعالیت‌های ناظری در این دوران، شامل همکاری با استادان برجسته و اجرای کنسرت‌های بی‌نظیر در ایران و جهان بود.

شهرت و محبوبیت او مدیون همین آلبوم‌ها و اجراهای زنده است.

- آلبوم‌های شاخص: بیش از ۵۰ آلبوم که بسیاری از آنها به پرفروش‌ترین آثار موسیقی ایران تبدیل شده‌اند.
- کنسرت‌های جهانی: اجرا در شهرهای پاریس، لندن، نیویورک، توکیو، لس‌آنجلس، آلمان، ایتالیا، لبنان و دیگر نقاط جهان. تعداد این اجراها از ۱۰۰ کنسرت فراتر رفته است.

همکاری‌های بین‌المللی

بخشی از کنسرت‌های ناظری با هنرمندان بین‌المللی برگزار شده است که نشان از توانایی او در پیوند موسیقی ایرانی با فرهنگ‌های دیگر دارد.

فعالیت‌های آموزشی و دانشگاهی

- شهرام ناظری علاوه بر اجرا، در حوزه آموزش آواز و موسیقی نیز فعالیت‌های چشمگیری داشته است:
- سخنرانی‌ها: در ایران و دانشگاه‌های معتبر جهان درباره موسیقی و فرهنگ ایرانی.
- همکاری با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا: عضویت در این مؤسسه نشان‌دهنده علاقه او به زبان، ادبیات و فرهنگ ایران است.

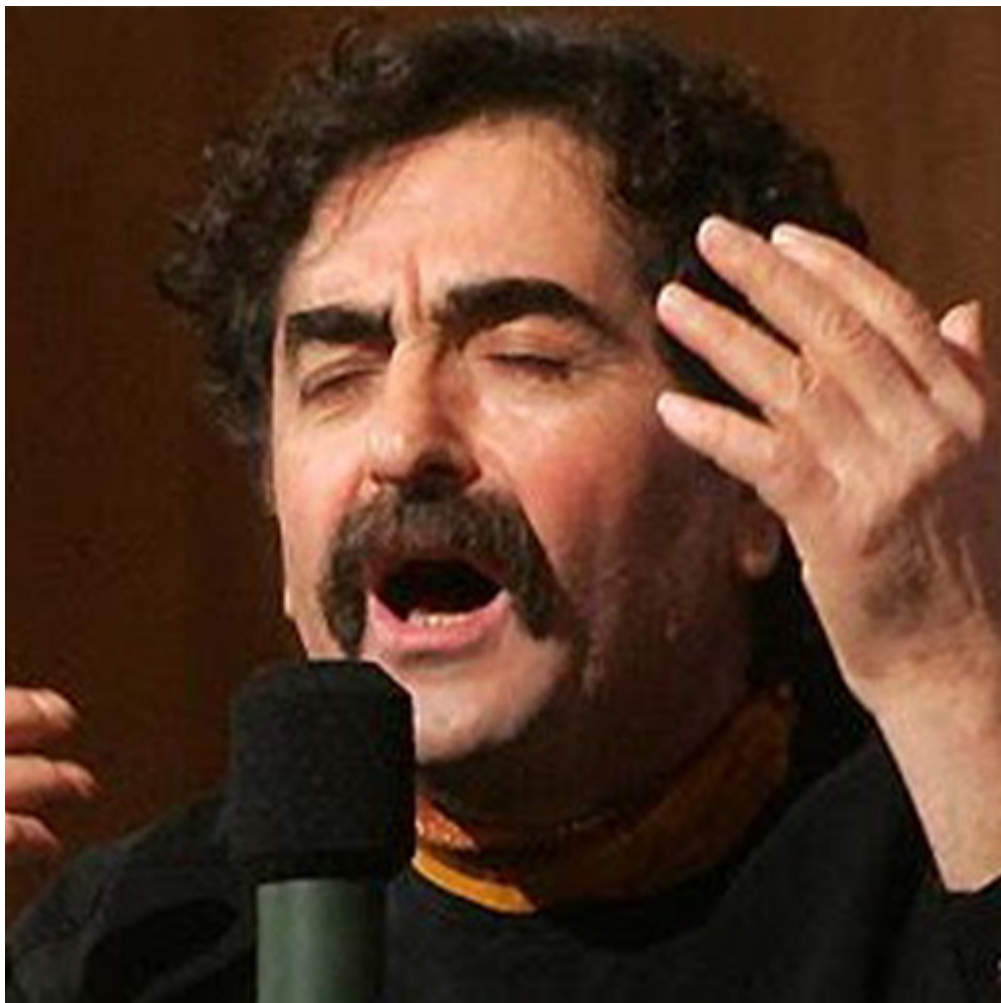
میراث ناظری در موسیقی و فرهنگ فعالیت‌های گسترده ناظری در عرصه موسیقی، آواز و آموزش، او را به یکی از چهره‌های شاخص فرهنگ و هنر ایران تبدیل کرده است. او نه تنها صدای موسیقی ایران را به جهان معرفی کرد، بلکه در گسترش دانش موسیقی و ادبیات نیز نقش بزرگی ایفا کرده است.

جوایز و تقدیرنامه‌های شهرام ناظری: افتخاری برای موسیقی ایران

شهرام ناظری به‌عنوان یکی از پرآوازه‌ترین هنرمندان موسیقی ایران، در طول زندگی هنری‌اش جوایز و تقدیرنامه‌های بسیاری از مراکز معتبر داخلی و بین‌المللی دریافت کرده است. برخی از مهم‌ترین این افتخارات عبارتند از:

افتخارات داخلی

- دریافت لوح تقدیر از جشنواره‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی ایران.
- دریافت نشان و کلید طلایی شهر سنج به‌عنوان یکی از مشاهیر کُرد از استاد مظهر خالقی.



افتخارات بین‌المللی

- لوح تقدیر از یونسکو برای تأثیرگذاری در معرفی فرهنگ و موسیقی ایران.
- لوح تقدیر از دانشگاه آکسفورد به‌پاس خدمات فرهنگی.
- دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه آمریکن لیبرتی.
- لوح تقدیر از کنگره آمریکا به‌عنوان سفیر فرهنگ و موسیقی ایران.
- لوح تقدیر از نخست‌وزیر کانادا برای نقش برجسته در گسترش هنر و موسیقی.
- اعطای لقب «بلبل فارسی» از سوی نشریه نیویورک تایمز آمریکا.
- دریافت نشان ویژه درویش مولویه از بنیاد مولانا و نواده مولانا، اسین چلبی، در شهر قونیه.

شهرام ناظری: نماد هنر و فرهنگ ایران

این جوایز و تقدیرنامه‌ها تنها بخشی از افتخاراتی است که ناظری در عرصه موسیقی و فرهنگ ایران به دست آورده است. فعالیت‌های او همواره پلی بوده است میان فرهنگ غنی ایران و جهان، و جایگاه ویژه‌ای برای موسیقی سنتی ایران در سطح بین‌المللی ایجاد کرده است.

ویژگی‌های اخلاقی شهرام ناظری: هنرمندی فراتر از موسیقی

شهرام ناظری نه تنها در عرصه موسیقی، بلکه در جنبه‌های اخلاقی و انسانی نیز شخصیتی برجسته و الگوست. او در طول زندگی هنری‌اش ارزش‌های عمیق معنوی و اخلاقی را همواره در کنار هنر خود حفظ کرده است. در ادامه به برخی از ویژگی‌های اخلاقی او اشاره می‌کنیم:

1. بخشنده‌گی و نوع‌دوستی

رامبد صدیف در مقاله‌ای به نقش پررنگ ناظری در کارهای خیریه اشاره می‌کند:

- پیش‌قدمی در کمک به نیازمندان و حمایت از انجمن‌های خیریه، بخشی از فعالیت‌های مداوم او بوده است.
- او سنت دیرینه موسیقی‌دانان ایرانی در کمک به جامعه را ادامه داده و نام خود را در کنار بزرگانی چون درویش‌خان، قمرالملوک وزیری، و اقبال السلطان ثبت کرده است.

2. استقلال و پایبندی به اصول

- شهرام ناظری همواره استقلال خود را در عرصه موسیقی حفظ کرده است و هیچ‌گاه به نهادهای دولتی وابسته نبوده است.
- او در پاسخ به پیشنهاد صداوسیما برای دریافت حقوق آثار پخش‌شده‌اش، با قاطعیت اعلام می‌کند: «زمانی که حقوق تمامی اهالی موسیقی پرداخت شود، من هم حق خود را خواهم گرفت. مگر خون من از دیگران رنگین‌تر است؟»

3. فروتنی و صداقت

- ناظری علی‌رغم جایگاه والایش در هنر، همواره با صداقت و فروتنی با مخاطبان و همکارانش رفتار کرده است.
- و هیچ‌گاه از شهرت و جایگاهش برای منفعت شخصی استفاده نکرده و این خصیصه باعث شده است او در میان هنرمندان و مردم، محبوب و مورد احترام باشد.

4. تعهد به هنر و اخلاق ● برای ناظری، موسیقی تنها یک هنر نیست بلکه آمیخته با ارزش‌های معنوی و اخلاقی است. این باور عمیق از آموزه‌های اساتید او نشأت گرفته و همواره در آثار و رفتار او مشهود است.

شهرام ناظری: الگوی اخلاقی و هنری

شهرام ناظری با ویژگی‌های اخلاقی برجسته‌اش، یادآور نقش هنرمندان به‌عنوان سفیران اخلاق و فرهنگ در جامعه است. او نشان داده است که می‌توان هنرمندی بزرگ بود و در عین حال، انسانی فروتن، مستقل و نوع‌دوست باقی ماند.